

اعجاز علمی قرآن در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

- * احد داوری
** سعیده آقایی اقدم
*** حمیده شفیعی

چکیده

اندیشمندان و مفسران، در بررسی قرآن کریم، به ویژه آیاتی که با علوم تجربی نسبتی دارند، رویکردشان متفاوت است. برخی بر این باورند که هر علمی از علوم بشری را می‌توان در قرآن جست‌وجو کرد. برخی معتقدند قرآن هیچ رسالتی در علوم تجربی ندارد. عده‌ای هم راه میانه را در پیش گرفته و با تخطئه دو دیدگاه قبلی، یافته‌های قطعی علوم جدید را در قرآن کریم پذیرفته‌اند و آن را نشانه اعجاز علمی این کتاب جامع بشری دانسته‌اند. از جمله معتقدان به این نظریه، آیت‌الله جوادی آملی است که با تصریح به این مطلب، بر وثاقت این اندیشه افزوده‌اند. ایشان ضمن اشاره تلویحی به چنین اعجازی در قرآن کریم، با بهره‌گیری از دلایل عقلی، همچون دینی بودن همه علوم، جامع و جاودان بودن قرآن و دلایل نقلی نظیر نوآوری قرآن در برخی مطالب علمی و تصریح ائمه اطهار علیهم‌السلام نظریه خویش را اثبات کرده و آن را از پیرایه‌های عصر علم‌زده امروز مبرا دانسته‌اند؛ چنان‌که درباره نسبت دادن هر دستاورد ظنی علمی به قرآن هشدار می‌دهند. در این پژوهش، تلاش می‌کنیم با روش توصیفی - تحلیلی، اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی را درباره اعجاز علمی قرآن کریم بررسی کنیم.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علوم تجربی، اعجاز علمی، آیت‌الله جوادی آملی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مراغه.

** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مراغه.

*** دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مراغه.

اندیشمندان به محتوای قرآن کریم، که آخرین معجزه پیامبر اکرم ﷺ است، از ابعاد مختلف توجه کرده‌اند. اعجاز علمی یکی از این ابعاد است. علم این اعجاز را در ابتدای نزول و حتی قرن‌ها پس از نزول کلام وحی، کشف نکرده بود. شاید بتوان گفت پایین بودن سطح دانش بشری موجب نوعی سطحی‌نگری و دوری از درک عمق مطالب شده بود؛ اما با پیشرفت علوم، تاندازه‌های توانسته‌اند به برخی از این مطالب دست یابند. برخی اندیشه تعامل قرآن و علوم تجربی را به قرن دوم نسبت می‌دهند؛ اما برخی نظریه پردازان معاصر، همچون آیت‌الله جوادی آملی، آن را در گفتار امامان بزرگوار علیهم‌السلام جست‌وجو می‌کنند. ایشان در آثار خویش، به کلام این بزرگواران تمسک می‌جوید و به فراخور مطلب علمی مدنظر، به آن‌ها استناد می‌کند. وجود مطالب علمی در قرآن موجب اثبات فرایضی بودن قرآن در بُعد دیگری می‌شود و می‌تواند زمینه معرفت بیشتر بشر به خالق خود باشد. همچنین در عصر حاضر، به دلیل پیشرفت‌های علمی، بیش‌ازپیش به این جنبه از اعجاز توجه می‌شود؛ بنابراین، توجه به نظریه‌های عالمان معاصر، از جمله آیت‌الله جوادی آملی، ضرورت پیدا می‌کند.

آیا می‌توان آیات قرآنی را با کشف‌ها و نظریه‌های علمی پس از نزول قرآن تطبیق بدهیم؟ ملاک پذیرش چیست؟ آیا مفسران و صاحبان خرد جمعی، به ویژه آیت‌الله جوادی آملی، که یکی از نظریه پردازان کنونی است، وجود چنین اعجازی را در قرآن کریم می‌پذیرند؟ دلایل و بایسته‌های ایشان چیست؟ پیش از بررسی این پرسش‌ها، مفاهیم «اعجاز» و «اعجاز علمی» را بررسی مختصری می‌کنیم تا تلقی ناهمسان از این‌ها، خللی در انتقال و فهم مقصود ایجاد نکند.

۱- مفهوم‌شناسی

«اعجاز» مصدر ثلاثی مزید از ریشه «عجز» است. معنای لغوی عجز، «ازعهده کار برنیامدن» است؛ در مقابل، «قدر» به معنای «توانستن» است. وقتی می‌گویند «اعجزه الأمر»، یعنی آن کار او را ناتوان کرد و نتوانست آن را انجام دهد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۵۵۲/۲-۵۵۳).

هرچند معانی دیگری برای این ریشه گفته‌اند که هریک مصداق، مورد یا کاربرد خاصی از همین معناست (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/۳۶۹). برخی می‌گویند عجز به معنای پایان هر شیئی است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴/۲۳۴). در قرآن، معنای لغوی این واژه به کار رفته است؛ مانند «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ * تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ»؛ که مردم را از جا می‌کند؛ گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟» (قمر/۱۹-۲۰)

اعجاز در علم کلام، یعنی فرد مدعی نبوت، باید برای اثبات حقانیت خود کاری کند که دیگران نتوانند آن را با علل و عوامل ظاهری انجام دهند؛ یعنی خرق عادت کند و طرف مقابل هم از آوردن مثل آن ناتوان باشد؛ ضمن اینکه شاهدی هم بر صدق ادعای آنان است. آن عمل خارق‌العاده را «اعجاز» و نتیجه‌ی اعجاز را که پدیده‌ای غیرعادی است، «معجزه» می‌نامند. (خویی، بی‌تا: ۳۳) آیت‌الله جوادی اعجاز را چنین تعریف می‌کند: «به کار ویژه و خارق‌العاده‌ای گفته می‌شود که تنها فرستادگان الهی توان انجام آن را دارند و بشر عادی حتی اگر تمام قوای خود را به کار گیرد، از آوردن مثل آن عاجز و ناتوان است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۸۹)؛ بنابراین، اعجاز گواهی بر اثبات صدق مدعی نبوت و نشانگر ضعف و ناتوانی دیگران از آوردن آن است، هرچند معاندان و مخالفان، تمام نیروی خود را متمرکز کنند.

مراد از علم در این مبحث، علم تجربی است؛ یعنی علمی که با امتحان و تجربه (آزمایش و خطا) درستی یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین طبیعت را بررسی می‌کند؛ پس تفسیر علمی، همان توضیح دادن آیات قرآن، با علم تجربی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۲).

با بررسی معنای هرکدام از واژه‌ها می‌توان گفت مقصود از اعجاز علمی قرآن آن است که در برخی آیه‌های آن نوعی رازگویی علمی وجود دارد؛ یعنی حاوی مطلبی علمی است که کسی قبل از نزول آیه، از آن اطلاع نداشته است و مدت‌ها بعد از نزول آیه، دانشمندان علوم تجربی آن را کشف می‌کنند. این مطلب علمی طوری است که با وسایل عادی عصر نزول کشف‌شدنی نبوده است (همان: ۸۵).

۲- دیدگاه‌های مهم درباره اعجاز علمی

سه دیدگاه درباره اعجاز علمی در قرآن وجود دارد:

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد. حامیان این دیدگاه، برای پاسداری از قرآن، تلاش می‌کنند با دلایل نقلی، آیات وحی را بر دستاوردهای علوم تجربی منطبق کنند. ابوحامد غزالی در *احیاء العلوم و جواهر القرآن*، طنطاوی جوهری در *الجواهر فی تفسیر القرآن* و ... سرسختانه به این دیدگاه معتقدند. آن‌ها بی‌محابا با انگیزه دفاع یا ... آیات الهی را به پیشرفت‌های علمی پیوند می‌زنند.

دانشمندان و مفسران واقع‌بین اسلامی، روش آن‌ها را نادرست می‌دانند. آنان در نکوهش اشخاصی نظیر طنطاوی چنین گفته‌اند: «وی به دلیل آنکه در زمانه‌ای که می‌زیست، علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود، برای آنکه مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب باز دارد، در اثر تفسیری خویش بسیار کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد.» (مصباح یزدی، ۱۳۶۷: ۲۲۶-۲۲۷)

دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. از متقدمین، ابواسحاق شاطبی و از متأخرین، عایشه بنت الشاطبی طرفداران چنین دیدگاهی هستند. بنت الشاطبی می‌گوید: «برخی در عصر حاضر آیاتی از قرآن را متناسب با موضوعاتی چون اکتشاف اتم، قانون جاذبه، گردش زمین، قوانین هندسه و ... تأویل و تفسیر کرده‌اند که نه در عصر بعثت و صدر اسلام به اندیشه هیچ عربی خطور کرده و نه چنان بوده است که کسی از صحابه، شمه‌هایی از آن‌ها را دریافته و از قرآن برداشت کرده باشد.» (عبدالرحمان، ۱۳۷۶: ۹۲-۹۳)

دیدگاه سوم: دیدگاه اعتدال است؛ یعنی علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری و رساندن انسان به کمال مطلوب الهی است؛ از طرف دیگر، قرآن کریم به تفکر و علم دعوت می‌کند؛ چنان‌که به برخی مطالب علمی اشاره عرضی می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۹).

آیت الله جوادی آملی جزء دسته سوم اند. اساس کلام ایشان این است که تمام علوم از دین نشأت گرفته است و هیچ علمی غیراسلامی نیست. «علم اگر علم باشد، نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیراسلامی نمی شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی دارد، به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیردینی تقسیم کنیم.» (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۴۳)

حقیقت آن است که اسلامی کردن علوم، یعنی عیب و نقص علوم تجربی رایج را رفع کنیم و آن ها را با دیگر منابع معرفتی، هماهنگ و سازگار ببینیم، نه آنکه اساس علوم رایج را ویران کنیم و منتظر محتوای کاملاً جدیدی در شاخه های مختلف علوم باشیم (همان: ۱۴۲). از آنجاکه قرآن، کتاب مقدس دینی است و طبق سخن آیت الله جوادی آملی، سرچشمه علم، دین است، می توان گفت اعجاز علمی قرآن، فکر خام و بیهوده ای نیست. براساس این اندیشه، می توان دلایلی را برای چنین اعجازی برشمرد.

۳- دلایل آیت الله جوادی آملی دربار اعجاز علمی

۳-۱- تصریح ائمه به اعجاز علمی قرآن و روش تفسیر نقلی آیت الله جوادی آملی

یکی از بهترین و ضروری ترین راه های شناخت قرآن، تفسیر آن با سنت معصومان علیهم السلام است؛ زیرا این سنت، یکی از منابع علم تفسیر و اصول پژوهش برای دستیابی به معارف قرآنی است. عترت طاهران علیهم السلام براساس حدیث متواتر تقلین، همتای قرآن است و تمسک به یکی از آن دو بدون دیگری، مساوی ترك هر دو ثقل است. برای دستیابی به دین کامل، اعتصام به هر کدام باید با تمسک به دیگری همراه باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۱۳۲/۱) آیت الله جوادی آملی نیز از این روش در همه جای آثار خویش استفاده و آن ها را مستحکم تر کرده اند.

ائمه اطهار اشاره هایی به مباحث علمی کرده اند که دلایلی بر اعجاز علمی قرآن است؛ برای مثال، هزار سال پیش از کپرنیک، به حرکت زمین تصریح کرده اند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۵۱). در دعا آمده است: «وبسط الأرض علی الهواء» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۲/۹۴)؛ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز می فرماید: «وَأرْسَاهَا عَلَي قَرَارٍ... وَ رَفَعَهَا بِغَيْرِ دَعَائِمٍ... وَ عَدَّلَ حَرَكَاتِهَا بِالرَّاسِيَّاتِ مِنْ جَلَامِيدِهَا وَ ذَوَاتِ الشَّنَاخِيْبِ الشُّمِّ مِنْ صَيَاخِيْدِهَا فَسَكَّنَتْ مِنَ الْمَيِّدَانِ

لِرُسُوبِ الْجِبَالِ فِي قِطْعِ أُدِيمِهَا» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۱: ۱۳۲) حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْأَشْيَاءَ تَدُلُّ عَلَى حُدُوثِهَا مِنْ دَوْرَانِ الْفَلَكَ بِمَا فِيهِ وَهِيَ سَبْعَةُ أَفْلَاقٍ وَتَحْرُكُ الْأَرْضَ ...» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۲/۹۴).

ائمه اطهار علیهم السلام در علوم دست‌یافتنی و مستقلات عقلی نیز استعداد بشر را شکوفا کرده‌اند: «یشيروا لهم دفتائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱: ۲۴)؛ در واقع، محور تعلیم آنان پرده برداشتن از غیب و نوآوری علمی برای بشر است. قرآن کریم با تعبیر دقیق «ما لم تکنونوا تعلمون» به همین نکته اشاره می‌کند؛ زیرا این جمله به معنای «آنچه نمی‌دانستید» نیست، بلکه به این معناست که «شما آن نبودید که از راه‌های عادی آن‌ها را بدانید». (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۴۹)؛ چنان‌که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با همه استعداد ویژه‌اش، می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ (نسا/۱۱۳)؛ یعنی خداوند به تو معارفی آموخت که از راه‌های متعارف توان فراگیری آن را نداشتی؛ از این رو این ویژگی قرآن کریم، مختص دوران انحطاط علم نیست، بلکه همواره و تاابد، قرآن علمی را تعلیم می‌دهد که بشر به آن‌ها راهی ندارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/۴۹)؛ بنابراین، چون ائمه اطهار علیهم السلام اشراف بیشتری بر معارف کلام وحی داشتند، هر جا از نکات علمی سخنی گفته‌اند، دلیل بر اعجاز علمی قرآن است؛ در نتیجه، استناد آیت‌الله جوادی آملی به تصریح ائمه معصوم علیهم السلام درباره نکات علمی قرآن، دال بر پذیرش اعجاز علمی آن است.

۲-۳ جامعیت قرآن و پاسخ به نیازهای روز

خدای سبحان، قرآن کریم را «تبیان» همه‌چیز می‌داند: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/۸۹) که می‌توان از آن به جامعیت قرآن یاد کرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آنچه خداوند فقط به وی داده است، نه پیامبر دیگری، می‌فرماید: «اوتیت جوامع الکلم» (ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۱/۲۴۱). اگر قرآن تا روز قیامت، پاسخ‌گوی جامعه بشری است، باید در همه فنون دانش و اخلاق و اعتقادات و اقتصاد و جامعه‌شناسی و ... الگو باشد؛ زیرا توجه به نیازهای معرفتی، ما را از نیازهای ضروری روز، مانند سیاست، اقتصاد، جامعه‌شناسی و ... بی‌نیاز نمی‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۴۲)؛ آیت‌الله جوادی آملی «جامعیت» را

چنین تعریف می‌کند: «هر چیزی که در سیادت و سعادت انسان‌ها نقش مؤثری دارد، در این کتاب الهی بیان شده است و اگر کاری سبب فراهم ساختن سعادت بشر است، قرآن بدان فرمان داده است و اگر ارتکاب عملی مایه فرومایگی و شقاوت بشر می‌شود، پرهیز از آن به صورت دستوری بایسته در آن آمده است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۹۰) همچنین ایشان در جای دیگر گفته‌اند: «هیچ عقیده‌ای در عالم نیست که قرآن کریم درباره آن سخن نگفته باشد؛ حق را تأیید و باطل را نفی می‌کند. این امر شامل همه عقاید گذشته و آینده می‌شود؛ زیرا مکاتب بشری، خواه آنچه پیش از نزول قرآن کریم پدید آمده بود یا آنچه معاصرش بود یا آنچه بعداً پدید می‌آید، باید بر قرآن عرضه شود و این کتاب جامع الهی نیز درباره صحت و سقم آن‌ها نظر دهد.» (همان: ۱۹۲)

۳-۳ شکوفایی قرآن با گذر زمان و جاودانگی آن

ویژگی دیگری که قرآن برای خود برشمرده است، جاودانگی آن در همه اعصار است؛ یعنی برنامه حیات بخشی است که تا پایان جهان مادی و برپایی قیامت، بشر را هدایت خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۲۷۷): ﴿وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ﴾ (انعام/۱۹).

پیشرفت علم و نیاز انسان به معارف عمیق، موجب می‌شود که استعدادی ویژه و برتر، برای طرح مسائل نو پدید آید؛ مسائلی که در زمان‌های پیشین مطرح نبوده است و اکنون به مقتضای جاودانگی قرآن باید به آن‌ها پاسخ داد: ﴿وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ﴾ (ابراهیم/۳۴)؛ پس به ناچار، قرآن که یگانه مرجع همیشگی مردم است، باید برآورده‌کننده همه نیازها و مشکلات بشر باشد و به هر پرسش جدیدی، پاسخی نو بدهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

جاودانگی قرآن ایجاب می‌کند حاوی نکات علمی باشد؛ زیرا

الف) چون مخاطبان قرآن، فقط به معاصران نزول قرآن محدود نیستند و همه مردم در همه زمان‌ها و مکان‌ها مخاطب آن هستند. هرچند اشاره‌های علمی قرآن بیشتر در سوره‌های مکی است و مخاطبان ابتدایی آن مشرکان بی‌بهره از تمدن و دانش مکه‌اند، جایز است قرآن

فراتر از درک و دانش مردم زمان نزول خود سخن گفته باشد؛ چه بسا مدلول واقعی آیه‌ای، در زمان‌های بعد بهتر درک، و اعجاز آن مدت‌ها بعد ثابت شود؛ بنابراین، تحدی قرآن، عام و برای هرکسی در هر زمان و در ابعاد گوناگون است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۲/۱). برای تأیید این مطلب، روایتی از امام رضا علیه السلام می‌آورند که از قول پدرشان، امام موسی کاظم علیه السلام فرموده‌اند: «مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: چگونه است که هرچه قرآن بیشتر بررسی می‌شود، تازگی آن افزایش می‌یابد؟ حضرت در پاسخ فرمود: زیرا خدا قرآن را برای زمانی خاص و مردمی به خصوص نازل فرموده است؛ پس قرآن در هر زمان، جدید و تا روز قیامت، برای هر قوم و گروهی تازه است»^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۴).

ب) از آنجاکه کتاب الهی چشمه جوشان و جویباری پُرآبی است که هرروز آب تازه از آن می‌جوشد و همه موجودات جهان هستی، در پی آن‌اند تا معارف ناپیدایش را آشکار کنند و برای نیازهای خود پاسخی یابند، جمع پرسش مستمر و پاسخ متصل در این آیه آمده است: «یَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (الرحمن/۲۹). جامعه بشری نیز در مواجهه با قرآن کریم چنین است که برای هر پرسش جدیدی، پاسخی نو می‌خواهد و در این صورت، از چشمه‌سار کوثر قرآن، مطلب تازه‌ای می‌جوشد که پیش از آن مطرح نبوده است؛ بنابراین، ویژگی جاودانگی قرآن می‌طلبد که در تمام دوران‌ها پاسخ‌گوی نیازهای هدایتی انسان‌ها در درجه نخست باشد و به تناسب پیشرفت‌های بشری در علوم تجربی، سخنی برای گفتن داشته باشد.

۳-۴ نوآوری قرآن در برخی مطالب علمی

دلیل دیگر آیت‌الله جوادی آملی بر اعجاز علمی قرآن، این است که «قرآن در قلمروهای مختلف شاخه‌های علوم، سخنانی در حد اعجاز بیان کرده است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۵۳) وی

۱. «لَأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَنْزِلْهُ لَزَمَانَ دُونَ زَمَانٍ وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَعِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَيَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۸۷/۲)

علمی مانند زوجیت عمومی، تطورات جنین و اثرات جو زمین و باران و رعد و برق و ... را اعجاز علمی قرآن می‌داند. شواهد ایشان بر این ادعا، چنین است:

الف) «برهان عقلی، از ادله شرع است، نه درقبال آن؛

ب) وحی، متمم و مکمل عقل است و در بخش قابل توجهی نیز مبتکر و نوآور است؛

ج) آنچه میسور بشر است که با احساس و تجربه یا ابزار ریاضی یا برتر از آن با وسایل حکمت و کلام آن را بفهمد، وحی الهی نسبت به آن‌ها صبغه تکمیل و تتمیم و تصحیح دارد، و آنچه مقدور بشر نیست که از راه‌های یادشده به آن دسترسی پیدا کند؛ مانند بخش وسیعی از اسمای حسناى الهی و ... که وحی الهی نسبت به آن‌ها مؤسس خوبی است و آن‌ها را به صورت‌های گونه‌گون تشریح می‌کند.

د) حرکت زمین و نظایر آن در ردیف قسم اول است؛ لذا، وحی الهی نسبت به آن صراحت و تکرار و پی‌گیری و اصرار و مانند آن را لازم ندانست» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۵۳)؛ بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که این اشاره‌ها به سان محملی برای اوج گرفتن علوم تجربی و عقلی برای کشف نادانستنی‌هاست.

بی‌شک قرآن، بسیاری از فنون و دانش‌ها را به روشنی بیان می‌کند و بسیاری دیگر را که جامعه و عرصه عصر نزول آمادگی ادراک آن‌ها را نداشت، با رمز و کنایه گفته است. در عصر پس از نزول قرآن، به فراخور حال مخاطبان و شکوفایی زمان و فرهنگ، به تدریج رازها و رمزها باز و اشاره‌ها محقق شد (همان، ۳۴۳).

۵-۳ اشاره تلویحی به برخی علوم در قرآن

قرآن کتاب هدایت و انسان‌سازی است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره/۲) و با هدف رساندن انسان‌ها به کمال و سعادت ابدی نازل شده است. برای تحقق چنین هدفی از تمام امکانات و مواهب الهی بهره می‌گیرد و چنین است که انسان‌ها را به تفکر و علم‌آموزی در قرآن دعوت می‌کند: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد/۲۴) «گاهی صدر و ساقه چیزی در متون مقدس مطرح می‌شود، و زمانی فقط برخی از آن‌ها بازگو می‌شود و مبادی تصدیقی آن را روایت معتبر ارائه می‌کند، و گاهی نیز مبادی

تصدیقی آن را درایت عقلی تأمین می‌کند. آنچه دربارهٔ اشتغال متون مقدس بر فنون تجربی و تاریخی و... ارائه شد از این قبیل است که اصل مطلب را متن دینی دربر دارد؛ ولی بسیاری از مبادی تصدیقی آن را احساس و تجربه طبیعی یا منطق ریاضی یا منطق تجربی و مانند آن تأمین می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۴۳)؛ به عبارت دیگر، قرآن کریم بالهایی را در اختیار این علوم قرار می‌دهد تا پرواز کنند و انسان دریابد که چه کسی و برای چه، این علل و عوامل را آفریده است: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ﴾ (حدید/۳)؛ از این رو، برخی مثالها و مطالب علمی درست و حق را بیان می‌کند که هدف آن آموزش علوم نیست و همهٔ علوم بالفعل هم در این کتاب مقدس ذکر نشده است، بلکه اشاره‌ها در این زمینه، استطرادی و عرضی است، برای دست‌یابی به کمال ابدی. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۶-۳ هم‌سویی قرآن و علم

قرآن کریم با ندای ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد/۲۴) بشر خاکی را خطاب قرار می‌دهد و او را به دلیل عدم بهره‌مندی از حجت درونی‌اش سرزنش می‌کند؛ زیرا اسلام، دین علم و عقل است و هرچه را با این دو هماهنگ و برایشان ارزشمند باشد، تجلیل و از آن حمایت و انسان‌ها را بدان تشویق می‌کند و هرچه در تراحم با علم و عقل باشد، تحریم می‌کند و انسان‌ها را از آن برحذر می‌دارد؛ و چون می‌خواهد با علم و عقل هماهنگ نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۵۸/۱۱) اسلام آن را حرام و به‌اندازهٔ بت‌پرستی می‌داند: «مدمن الخمر کعابد وثن» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۲/۶۹۹).

به این ترتیب می‌توان گفت علوم تجربی به موضوعات احکام باز می‌گردد؛ چون علوم تجربی یا خود واجب‌اند یا مقدمهٔ واجب، و قرآن کریم و اسلام هم بیشتر این علوم را طرح کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ج ۱۶۷). با توجه به هم‌سویی قرآن و علم می‌توان گفت اگر منعی در احکام، به‌ویژه خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها وجود دارد، علوم تجربی حکمت و دلایل علمی آن را بیش از پیش آشکار و بدین‌سان جنبهٔ دیگری از اعجاز قرآن را اثبات کرده‌اند؛ زیرا این کتاب و حیاتی، چهارده قرن پیش، مطالبی را در نظر گرفته و حکم صادر کرده است که اکنون به برخی زوایای آن پی‌می‌برند؛ برای نمونه، زبان‌های شراب در دوران جاهلیت چندان

مشخص نبوده؛ ولی امروز، ابعاد گوناگون آن بررسی شده است. صاحب‌نظران علوم پزشکی، جامعه‌شناسان، عالمان اخلاق و فرزندگان جامعه، هر یک زیان‌های فردی، اجتماعی، جسمی و روحی شراب را برشمرده‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ب: ۵۹/۱۱)

گفتنی است که قرآن با توجه به هدف نزول، کتاب انسان‌سازی است؛ اما به مسائل علمی و اسرار کائنات و هستی اشاره‌هایی می‌کند که نشان از اعجاز علمی قرآن است. در صدر اسلام، راهی برای شناخت مسائل علمی قرآن نبوده است، مگر با وحی و پیشرفت علم و دانش بشری، برخی از آن‌ها روشن و شکوه قرآن برای دانشمندان بیشتر شده که چگونه در ۱۴۰۰ سال پیش، قرآن از آن‌ها یاد کرده است. بشر آن روز، آن‌ها را درک نمی‌کرده است؛ همان‌طور که بشر امروزی نیز گاهی مسائل علمی قرآن را درک نمی‌کند و شاید هزاران سال باید بگذرد تا نکات دقیق علمی قرآن را شناسایی کند.

پس اگر قرآن مطلبی علمی را بیان کند که در کتاب‌های آسمانی گذشته بدان اشاره شده و یا در مراکز علمی یونان، ایران و ... در لابه‌لای کتاب‌های علمی و آرای دانشمندان آمده و احتمال می‌رود که از راهی به محیط حجاز عصر نزول راه یافته یا مطلبی بوده که انسان با وسایل آن زمان و یا با غریزه آن‌ها را می‌فهمیده است، معجزه علمی نیست (رضایی اصفهانی، بی تا: ۵۴).

۴- ثمرات پذیرش اعجاز علمی

پذیرش اعجاز علمی قرآن مستلزم این است که آیات براساس علم روز تفسیر شود. این تفسیر آثار و برکاتی در پی دارد که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) گرایش بیشتر به قرآن

پیشرفت‌های بشر در علوم تجربی نمی‌تواند او را از هدایت و معارف قرآن بی‌نیاز کند. هرچه انسان در شناخت طبیعت بیشتر پیش می‌رود، با پرسش‌های دقیق‌تر و ظریف‌تری روبه‌رو می‌شود که کشف پاسخ آن‌ها را بدون الهام از آسمان وحی و معارف قرآن کریم ممکن نمی‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۸الف: ۳۰۷)؛ از این رو قرآن به برخی مطالب علمی اشاره تلویحی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ج: ۱۶۷) که انسان با کشف آن‌ها به علم لایزال الهی و معجزه

بودن قرآن پی‌می‌برد و به روشنی درمی‌یابد که جز مبدأ حکیم، کسی توانایی آفرینش چنین نظامی را ندارد. بهترین شاهد بر این سخن، گرایش روزافزون مردم کشورهای متمدن جهان به اسلام و قرآن کریم است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۳۰۷)؛ بنابراین تفسیر علمی باعث تقویت ایمان مردم و روشن شدن وجه دیگری از اعجاز قرآن شده است (جعفری، بی تا: ۴۹۷/۵).

ب) جلوگیری از پندار تعارض علم و دین

اربابان کلیسا در قرون وسطی براساس مسیحیت تحریف شده، هر فکر نو و پیشرفت علمی را ضد دین می‌دانستند؛ از این رو، اندیشه تعارض دین و علم مطرح شد؛ در نتیجه، دین منزوی و به مسائل خصوصی و فردی منحصر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۵/۱۰)؛ اما قرآن، معجزه مانای نبوی ﷺ، حاوی مطالب علمی است که با روشن شدنشان، افراد باانصاف متوجه می‌شوند که اسلام، نه تنها با علوم سازگار نیست، بلکه علم مؤید دین است.

ج) عمیق شدن فهم ما از قرآن و توسعه مدلول واقعی آیات قرآن (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۲)

۵- آسیب شناسی

آنچه در اعجاز علمی نادرست است، این است که یافته‌های علوم تجربی را پیش از آنکه یافته علمی شوند، به قرآن تحمیل و آیات آن را طوری معنا کنیم که براساس فرضیات باشد. دلیل این نادرستی روشن است؛ زیرا فرضیات علمی و تجربی همواره تغییر می‌کنند و چه بسیار که پس از مدتی فرضیه‌ای جدید، فرضیه پیشین را باطل می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۴۴۹)؛ در حالی که قرآن از هر بطلانی ایمن است: «لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه» (فصلت/۴۱)؛ از طرف دیگر، حجیت شرعی علوم در ظرفی که از حد فرضیه و صرف ظن فراتر رفته و به مرز علم‌آوری یا طمأنینه عقلایی رسیده باشد، مجوز استناد به شارع مقدس است (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۱۷). البته گفتنی است که فرضیه‌ها پیش از آنکه به قطعیت برسند، می‌توانند یکی از وجوه و احتمال‌های تفسیری، و هنگامی که به قطعیت رسیدند، می‌توانند معنای تفسیر باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۴۵۰).

آفت دیگری که در تفسیر علمی محض وجود دارد این است که در ابتدا و انتهای کشفیات علمی، از خداوند و تبیین معارف الهی سخنی به میان نمی‌آید؛ زیرا این علوم سیر

افقی دارند؛ برای مثال زمین‌شناس با نشانه‌های خاص می‌تواند بفهمد که فلان معدن چندین میلیون سال قبل چگونه بوده، اکنون در چه حالتی است و صدها هزار سال بعد چه می‌شود؛ اما قرآن به این می‌پردازد که چه کسی و برای چه آن را آفریده است؛ در واقع، قرآن به علوم تجربی، قدرت پرواز عمودی اعطا می‌کند تا اوج بگیرند و از سیر افقی خارج شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۱۶۷ و ۱۶۸).

البته باید توجه کرد که توافق قرآن با علوم جدید بر سر مطلبی علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؛ اما اعجاز علمی قرآن، به همین بعد آن منحصر نیست؛ پس اگر علوم تجربی، مطالب علمی قرآن را تأیید نکردند، قرآن بی‌اعتبار نمی‌شود؛ چون اعجاز قرآن از راه‌های متعدد ثابت شده است و اگر از لحاظ علمی هم در بعضی موارد اثبات شود، شاهد دیگری بر اعجاز آن است و اگر ثابت نشود، ضرری به اعتبار قرآن نمی‌زند؛ به عبارت دیگر، رابطه مطالب علمی قرآن با علوم تجربی، سه شکل دارد:

الف. مطالب علمی قرآن که علوم آن‌ها را تأیید کرده و در بسیاری موارد، شگفتی دانشمندان جدید را برانگیخته که کتابی مذهبی، چگونه در چهارده قرن پیش از جدیدترین نظریات علمی، بادقت سخن گفته است؛ مانند حرکت خورشید، زمین، زوجیت گیاهان و ... که ما در فصل پایانی کتاب، نمونه‌های آن‌ها را می‌آوریم (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵: ۲۰۹).

ب. دلیل ناسازگاری برخی مطالب علمی قرآن با نظریات علوم تجربی، اطلاعات ناقص و گاه برداشت‌های نادرست علمی است؛ زیرا تعارض علم قطعی با دین ممکن نیست.

ج. مطالب علمی که در قرآن هست، ولی علوم تجربی آن‌ها را اثبات یا نفی نکرده است و ممکن است قرن‌ها بعد با پیشرفت علوم، کشف شوند و هیچ دلیلی برای رد آن‌ها نداریم؛ بنابراین مانعی ندارد به آن‌ها معتقد باشیم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۵۲).

۶- اشاره به برخی مصادیق اعجاز علمی

قرآن کریم با هدف تربیت و هدایت انسان نازل شده و هرچه برای این هدف لازم بوده در این کتاب مقدس آمده است. با نگاهی به آیات قرآنی می‌بینیم قرآن کریم گاهی در تعقیب هدف‌های تربیتی خود و به‌ویژه برای نشان دادن آثار قدرت الهی، مطالبی را درباره اسرار

خلقت و پدیده‌های جهان آفرینش تذکر داده و درباره خلقت آسمان‌ها، زمین، ستارگان، خورشید، ماه، آفرینش انسان، حیوان، گیاه، پیدایش دریاها، کوه‌ها، باده‌ها، نزول باران و مانند آن‌ها سخن گفته، از این‌ها به نشانه‌های خدا یاد کرده و مردم را به تفکر درباره آن‌ها فراخوانده است.

در آیات مربوط به پدیده‌های جهان آفرینش، قرآن از چیزهایی خبر داده است که پیشینیان آن‌ها را توجیه می‌کردند و امروز با پیشرفت‌های علمی، می‌توان طور دیگری تفسیرشان کرد (جعفری، بی تا: ۴۸۵/۵).

در ادامه، برای تبیین بهتر مباحث نظری، مصادیقی می‌آوریم.

الف) لقاح (زایا کردن ابرها و گیاهان)

صاحب‌تسنیم، معتقد است آیه ۲۲ سوره حجر درباره تلقیح در عالم نباتات و دنیای ابرهاست. که خداوند سبحان درباره رسالت برخی باده‌ها فرموده است: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» (حجر/۲۲). «لواقح» جمع «لاقح» به معنای بارور کردن است (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۹۸). که در اینجا به لقاح ویژه به دست ابرها اشاره می‌کند؛ چون ابرها و گیاهان مانند موجودات مادی دیگر جفت آفریده شده‌اند. طبق این آیه، باد عامل تلقیح و تحقق ازدواج ابرها و گیاهان نر و ماده است تا پذیرای بار شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۰۳/۸).

برخی اگرچه معتقدند وزش باده‌ها بر جابجا کردن گرده‌های نطفه نر و بارور ساختن گیاهان اثر بسزایی دارد، نمی‌توان پذیرفت که آیه بالا به آن اشاره می‌کند؛ زیرا بلافاصله پس از این کلمه، نازل شدن باران از آسمان (آن‌هم با فاء تفریع) آمده است: ﴿فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾ (حجر/۲۲) که نشان می‌دهد تلقیح کردن باده‌ها مقدمه‌ای برای نزول باران است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۶۱/۱۱).

اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها در آیه ۲۲ سوره حجر می‌تواند اعجاز علمی قرآن باشد؛ زیرا این مطلب تا سال‌های اخیر برای بشر روشن نشده بود؛ اما اگر برفرض در این آیه به لقاح گیاهان هم اشاره شده باشد، از آنجاکه انسان‌ها حتی قبل از اسلام، از تأثیرگذاری گرده‌افشانی اطلاع اجمالی داشتند، اعجاز علمی نیست. البته ممکن است در آینده با

پیشرفت علمی بشر، تأثیر ابرها بر موارد دیگری نیز اثبات شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۲۹۳).

ب) جاذبه عمومی موجودات

قرآن کریم، درباره ایمن بودن کهکشان‌ها از سقوط خبر داده است: «رَفَعِ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (عدد/۲) و ﴿إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا﴾ (فاطر/۴۱) و هم درباره محفوظ بودن پرندگان سنگین وزن از فرود اجباری گفته است: ﴿أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوِّ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ﴾ (نحل/۷۹).

استاد درباره پیشینه و معادله‌های نیروی جاذبه زمین شرح مبسوطی می‌دهد و آن را یکی از اعجاز علمی قرآن می‌داند؛ ولی در پایان تذکر می‌دهد تا زمانی که «قانون جاذبه و مانند آن در مدار اصل علیت و نیز در محور حصر در نیاید، جزم علمی به اینکه علت، اصل جاذبه است و اینکه علت منحصر نیز همین جاذبه است، حاصل نخواهد شد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۴۶).

ج) ممنوعیت شرب خمر

پیش از ظهور اسلام، شراب‌خواری عادت، و شراب برای بسیاری از ملت‌ها نوشیدنی رسمی بود؛ زیرا مردم از ضررهای آن اطلاع کاملی نداشتند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۳۳۵). با درخشش اسلام، قرآن کریم به ترتیب در چهار مرحله، به شراب‌خواری می‌پردازد و آن را تحریم می‌کند:

﴿وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَنَجِدُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾ (نحل/۶۷)؛ ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَ إِنَّمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ﴾ (بقره/۲۱۹)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَ أَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ﴾ (نساء/۴۳)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ * إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَ الْمَيْسِرِ وَ يَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ عَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ (مائده/۹۰-۹۱).

باز شدن دریچه‌های علم و دانش به روی انسان، موجب شد به افق‌های تازه‌ای در کشف علل منع و تحریم برخی از نوشیدنی‌ها، به ویژه شراب دست یابد. شرب خمر نه تنها به دستگاه

گوارش، بلکه به عقل و فکر آسیب می‌رساند، روحیه را مکدر می‌کند و پیامدهای منفی اخلاقی و اجتماعی دارد؛ چنان‌که جوامع بشری و محاکم قضایی شاهد جنایات ناشی از می‌گساری هستند و نیز در آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ﴾ (مائده/۹۱) آمده است که شراب مردم را با یکدیگر دشمن می‌کند و آنان را از ذکر خدا و نماز بازمی‌دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ب/۵۸/۱۱).

اکنون به برخی زیان‌های بهداشتی، اجتماعی، اقتصادی و روحی شراب‌خواری اشاره می‌کنیم:

۱- آثار جسمی می‌گساری در معده، روده‌ها، جگر، شش، سلسله‌اعصاب، شریان‌ها، قلب و حواس انسان، مانند قوه باصره و ذائقه مسلم است و پزشکان حاذق از دیرزمان، کتاب‌هایی درباره آن تألیف و آمار شگفت‌انگیزی از بیماری‌های پدیدآمده از این مایع شوم عرضه کرده‌اند.

۲- اثر خاص شراب بر عقل و نیروی ادراک انسان که اندیشه او را تصرف و مجرای ادراک وی را در حال مستی و پس از آن منحرف می‌کند؛ زیرا فرد مست، فاقد نیروی خرد و قوه تمییز است و از هیچ کار زشت و ناهنجاری نمی‌پرهیزد.

۳- آثار و زیان‌های اخلاقی، مانند بدخلقی، بدزبانی، تبه‌کاری و خون‌ریزی، افشای اسرار، هتک حرمت، بی‌عفتی و تجاوز به اعراض و اموال و نفوس مردم و پشت‌پا زدن به همه قوانینی که مایه سعادت زندگی بشر است. البته تأثیر سوء می‌گساری بر عقاید، اخلاق و ... ناشی از تأثیر سوء آن در خوردورزی است؛ از این رو، می‌توان گفت سومین دسته از آثار سوء می‌گساری، حاصل اثر دوم است (همان: ۸۰)؛ بنابراین، هر چند مخاطبان عصر نزول از آثار زیانبار علمی آن آگاهی چندانی نداشتند، قرآن با بی‌توجهی به سطح علمی آن‌ها شرب خمر را تحریم کرد و انسان‌ها پس از سالیان دراز به برخی آثار سوء آن پی‌بردند.

(د) حرکت انتقالی زمین

حرکت انتقالی زمین، یعنی گردش زمین تاریک به دور خورشید، که موجب پیدایش فصل‌ها می‌شود. روز و شب هم نتیجه حرکت وضعی زمین، یعنی گردش زمین به دور خود

است. اگر حرکت وضعی زمین وجود نداشت، يك طرف زمین، به سوی خورشید و همواره روز و داغ بود که در این صورت، زندگی بر اثر تابش پیوسته آفتاب ممکن نخواهد بود، و طرف دیگر زمین پشت به خورشید و همواره شب و سرد است (بلاغی، ۱۳۸۶، ۷/۲۲۴)؛ در این صورت، هیچ گیاهی بر زمین نمی‌روید و در نتیجه، هیچ انسان و حیوانی زنده نمی‌ماند؛ پس همیشگی نبودن شب و روز، از نعمت‌های خدا و نشان تدبیر الهی است: ﴿قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِاللَّيْلِ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾؛ (قصص/۷۱-۷۲) پس سرمدی بودن شب و روز، زندگی انسان را به خطر می‌اندازد: اگر زمین ساکن باشد، يك جا همیشه شب و سرد و یخبندان و جای دیگر همیشه روز و گداخته خواهد بود. افزون بر آنکه حرکت زمین به دور خورشید فصول چهارگانه بهار، تابستان، پاییز و زمستان را پدید می‌آورد: ﴿وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ﴾؛ (فصلت/۱۰) که اگر تنها یکی از فصول چهارگانه بر زمین حاکم باشد، زندگی کردن روی زمین ممکن نبود.

ایلاج شب در روز و روز در شب در دو فصل زمستان و تابستان: ﴿يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ﴾؛ (حج/۶۱؛ لقمان/۲۹؛ فاطر/۱۳؛ حدید/۶) نیز نشان دیگری بر تدبیر الهی در خلقت شب و روزند؛ یعنی در زمستان که دو طرف قوس لیل را ادامه می‌دهد و شب را وارد محدوده روز می‌کند، روز کوتاه و مقداری از آن با ورود تاریکی شب می‌شود و در تابستان که قوس نهار بیشتر است، قوس لیل کمتر یا متعادل است و از دو سو روز را وارد محدوده شب می‌کند؛ یعنی زودتر صبح و دیرتر شب می‌شود. همه این‌ها برای تدبیر وضع زمین و فراهم شدن زمینه مناسب برای حیات زمینیان در فصول چهارگانه است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ب، ۲۴/۳۷۰).

حرکت‌های زمین اعم از انتقالی و وضعی، از مباحثی است که با پیشرفت علم و گذشت زمان برای بشر هویدا شد؛ به طوری که در عصر نزول بشر از وجود چنین حرکت‌هایی غافل بودند. البته آیات فراوانی به این مباحث اشاره کرده‌اند. آیاتی که درباره کرات و چگونگی

پیدایش آن‌ها سخن می‌گویند، سه دسته‌اند:

۱- آیاتی که به جدا شدن آسمان‌ها و زمین از یکدیگرند؛ مانند ﴿كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾

(انبیاء/۳۰)؛

۲- برخی دیگر از آیات از گسترش آسمان که انطباق‌پذیر بر کرات‌اند، نظیر ﴿وَالسَّمَاءَ

بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾ (ذاریات/۴۷)؛

۳- پاره‌ای از نادیده‌های بشر سخن می‌گویند: ﴿فَلَا أُفْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ وَمَا لَا

تُبْصِرُونَ﴾ (حافه/۳۸-۳۹).

یافته‌های تازه علمی در ستاره‌شناسی با هر سه دسته هماهنگ‌اند؛ زیرا کرات یا منظومه‌های آسمانی که امروزه یکی پس از دیگری یافت می‌شوند، گاهی با کشف انفصال همراه‌اند؛ یعنی ثابت شده است که در گذشته جزء کره دیگری بوده و بعدها جدا شده‌اند: ﴿كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا﴾ (انبیاء/۳۰).

زمانی پژوهش‌های ستاره‌شناسان سبب کشف کره جدیدی با کهکشان تازه‌ای می‌شود که با آیات دسته دوم هماهنگ است. گاهی هم در پژوهش‌های نوین علمی، کره‌ای کشف می‌شود، بدون آنکه سخنی از فصل و وصل آن به میان آمده باشد؛ مانند آیات دسته سوم. بنابراین اگر کشف‌های نوین علمی درباره کرات، از فصل و وصل آن‌ها سخن بگویند، با دو دسته نخست هماهنگی دارند و اگر فقط کشف جدیدی باشد که دانشمندان از فصل و وصل آن آگاهی نداشته باشند، با گروه سوم هماهنگ است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ب، ۲۴/۳۷۰).

نتیجه‌گیری

آیاتی در قرآن حاکی از نوعی رازگویی علمی در این کتاب است؛ یعنی مطلبی علمی را بیان می‌کنند که کسی پیش از نزول و مدت‌ها پس از نزول از آن اطلاع نداشته است. این آیات اشاره به بُعد دیگری از اعجاز قرآن می‌کند: اعجاز علمی. برخی درباره اعجاز علمی معتقدند قرآن بیانگر همه علوم است. عده‌ای دیگر آن را فقط کتاب هدایت می‌دانند و ساحت آن را از پرداختن به علوم مبرا می‌کنند؛ اما دیدگاه اعتدالی، هر دو نظریه پیشین را درهم آمیخته و نتیجه می‌گیرند، اگرچه قرآن کتاب هدایت است، به سایر مسائل به اقتضای

هدف خود، اشاره تلویحی کرده است؛ مانند مباحث علوم تجربی.

آیت‌الله جوادی آملی از معتقدان به دیدگاه اخیر هستند. ایشان در تفسیر آیات علمی قرآن، هرچند به اعجاز علمی قرآن اشاره تلویحی می‌کنند، پیوسته همه علوم را برگرفته از قرآن می‌دانند و بر این باورند که علم غیردینی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، سرچشمه همه علوم اسلامی، قرآن است و جامع و جاودان بودن این کتاب مقدس و همچنین تصریح ائمه اطهار علیهم‌السلام از سوی دیگر، مؤیدی بر اعجاز علمی قرآن است. نویسنده تسنیم در بخش‌های دیگری از گفتارهای خویش ملاک‌هایی را در این زمینه برمی‌شمرند؛ از جمله اینکه هر یافته علمی را پیش از تبدیل به یافته علمی، نمی‌توان به قرآن نسبت داد؛ چون این علوم در معرض تغییرند و سیر افقی دارند.

بررسی برخی آیات متناسب با علم روز، از جمله مصادیقی است که در این زمینه پرده از اسرار علمی آن‌ها برمی‌دارد؛ مواردی نظیر زوجیت، کرویت زمین، تطورات جنین، نیروی جاذبه، زیان‌های شراب‌خواری.

استفاده از سرمایه علمی عظیمی که در قرآن نهفته است، در صورتی ممکن است که مسلمانان با تدبیر در کتاب تکوینی خدا، یعنی طبیعت، برای فهم درست کتاب تشریحی او، یعنی قرآن، تلاش و حقایق هر دو را کشف کنند. اگر تفسیر علمی قرآن با شرایطی که گفتیم همراه باشد، ما را برای رسیدن به این هدف یاری خواهد کرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه؛ ۱۴۱۴، صبحی صالح، نشر هجرت قم.
۳. بلاغی، عبدالحجت (۱۳۸۶)، حجه‌التفاسیر و بلاغ‌الاکسیر، حکمت، قم، اول.
۴. بنت‌الشاطی، عبدالرحمن (۱۳۷۶)، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۵. جعفری، یعقوب [بی‌تا]، تفسیر کوثر، هجرت، قم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳)، توحید در قرآن، اسراء، قم.
۷. _____ (۱۳۸۴)، وحی و نبوت در قرآن، اسراء، قم.
۸. _____ (۱۳۸۵)، هدایت در قرآن، اسراء، قم.
۹. _____ (۱۳۸۸ الف)، قرآن در قرآن، اسراء، قم.
۱۰. _____ (۱۳۸۸ ب)، تفسیر تسنیم، اسراء، قم.
۱۱. _____ (۱۳۸۸ ج)، نسیم اندیشه دفتر اول، اسراء، قم.
۱۲. _____ (۱۳۸۹ الف)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، اسراء، قم.
۱۳. _____ (۱۳۸۹ ب)، همتایی قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام، اسراء، قم.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۳۸۳)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، انتشارات مرتضوی، تهران.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی [بی‌تا]، پرسش‌های قرآنی جوانان، پژوهش‌های تفسیر و قرآن مجید، قم.
۱۶. _____ (۱۳۷۵)، درآمدی بر اعجاز علمی قرآن، اسوه، قم.
۱۷. _____ (۱۳۸۶)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، کتاب مبین، رشت.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷)، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، اول.

۲۰. _____ (۱۳۹۰)، پیام قرآن: روش تازه‌ای در تفسیر قرآن، دار الکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. ابن بابویه، محمد بن حسین (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران.
۲۲. _____ (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۳. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴)، ترتیب معجم مقاییس اللغة، مکتب الاعلام الاسلامی، قم.
۲۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، دارصادر، بیروت.
۲۵. خویی، ابوالقاسم [بی تا]، البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، قم.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه قم، قم.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، دارالحديث، قم.
۲۸. مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.